

Study and analysis of how the category of identity is represented in the collection of Persian to Persian textbooks; Based on the pattern of Van Leeuwen (2008)

Abstract

One of the issues addressed in Persian language textbooks is the representation of identity. The learner communicates with a set of phrases and sentences that, in the lower layers, reflect the quality of the collective identity of individuals in society. The present article has been compiled based on descriptive-analytical method and citing library resources. Its statistical population is a collection of Persian to Persian textbooks. In order to study the ideology of the text and how to represent the identity, the analyzability of the texts was assessed and neutral texts were removed from the body and ten texts from the middle and advanced levels were selected. The results showed that religious, national, cultural, political and social identities have been considered many times in a coherent process. According to the model of Van Leeuwen, The category of identity is represented by the methods of backgrounding, activation, identification (nomination) and specification and various meanings of identity are represented by the application of the mentioned components.

Keywords: Identity, Persian to Persian textbooks, Critical Discourse Analysis, Van Leeuwen.

بررسی و تحلیل چگونگی بازنمایی مقوله هویت در مجموعه کتاب‌های آموزش فارسی به فارسی؛ بر اساس نظریه ون لیوون (۲۰۰۸)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۴

گراناز نادرنژاد^۱

علی علیزاده^۲

محمدهادی فلاحی^۳

چکیده

یکی از مسائلی که در کتب آموزش زبان فارسی به آن پرداخته می‌شود، بازنمایی هویت است. دانش‌آموز با مجموعه‌ای از عبارات و جمله‌ها ارتباط برقرار می‌کند که در لایه‌های زیرین، بازتاب‌دهنده کیفیت هویت جمعی افراد جامعه است. هویت در ارتباط میان «ما» های مختلف شکل می‌گیرد و در تعامل با «خود» و «دیگری» قرار دارد. مقاله حاضر، با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. جامعه آماری این تحقیق، مجموعه کتاب‌های آموزش فارسی به فارسی است. برای تحلیل هویت در این مجموعه از مبانی نظریه تحلیل گفتمان انتقادی ون لیوون (۲۰۰۸) استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که هویت‌های دینی، ملی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بارها در فرآیندی منسجم مورد توجه قرار گرفته‌اند. طبق الگوی ون لیوون، مقوله هویت با روش‌های پس‌زمینه‌سازی، فعال‌نمایی، تشخیص‌بخشی (نام‌دهی) و نوع ارجاعی بازنمایی شده و معناهای متنوعی از هویت به واسطه کاربست مؤلفه‌های یادشده، بازنمایی گردیده است.

واژه‌های کلیدی: هویت، کتاب‌های آموزش فارسی به فارسی، تحلیل گفتمان انتقادی، ون لیوون.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. gerannader@gmail.com

^۲ دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (استاد راهنمای اول) نویسنده مسئول alalizadeh@um.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان‌شناسی رایانه‌ای، مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری، شیراز، ایران. (استاد راهنمای دوم) fallahi@ricest.ac.ir

۱. مقدمه

هویت یکی از مفاهیم بنیادین در جوامع متمدن به‌شمار می‌رود. در ارتباط با این مفهوم، برداشت‌ها و رویکردهای بسیاری وجود دارد که گاه متناقض و گاهی همسو به نظر می‌رسند. پرداختن به هویت و اهمیت آن از زمانی نمود بیشتری پیدا کرد که مفهوم «دولت- ملت»، پدید آمد. هر کدام از مکتب‌های فکری (جوهرگرا، ساخت‌گرا، پس‌ساخت‌گرا، رهیافت‌گفتمانی و پس‌انوگرا) تلاش کرده‌اند تعریف خاص خود را از مقوله هویت ارائه دهند و مبانی مشخصی را برای آن، تبیین کنند. پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی، سیاسی، تاریخی و ... در شکل‌دهی به هویت مؤثر بوده‌اند. هویت‌های تعریف‌شده دارای وجوه مشترک و ناهمسان بسیاری هستند. این موضوع نشان می‌دهد که هویت پدیده‌ای ایستا نیست و با توجه به رویدادهای مختلف در جامعه، بازتعریف می‌شود.

یکی از نمودگاه‌های هویت در دوران ما، کتاب‌های درسی و آموزشی است. در این آثار به زمینه‌های فردی و جمعی هویت‌ساز اشاره شده است. به عقیده پول، نظام آموزش و پرورش، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نهادی است که هویت‌سازی و شکل‌دادن به آن، در این نهاد، به وقوع می‌پیوندد (پول، ۲۰۰۳: ۱۱۰). دانش‌آموزان در گروه‌های سنی متنوع به واسطه این کتاب‌ها با شاخصه‌های هویت‌ساز، آشنا می‌شوند و از این طریق، تصویری از هویت در ذهن آنان شکل می‌گیرد. ممکن است برخی فارسی‌آموزان برای نخستین بار با فرهنگ و هویت مردم ایران، در کتاب‌های آموزشی آشنا شوند. بنابراین، باید به صورت دقیق و مبتنی بر واقعیت‌های موجود در جامعه به بازنمایی مقوله هویت و انواع آن پرداخته شود. بنابراین، واکاوی مقوله‌های هویت‌آفرین در کتاب‌های درسی و آموزشی و نیز، کیفیت انتقال و بازنمایی آن به فارسی‌آموزان ایرانی و غیرایرانی اهمیت پیدا می‌کند.

هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی انواع هویت و شیوه‌های بازنمایی آن در مجموعه کتاب‌های آموزش فارسی به فارسی است. برای تحقق این هدف، از نظریه تحلیل‌گفتمان ون‌لیوون^۱ استفاده شده است تا ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های مستتر در متون گزینش‌شده، آشکار شود.

این مقاله در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل است: الف) انواع هویت در مجموعه کتاب‌های آموزش فارسی به فارسی چیست؟ ب) استفاده از مبانی الگوی تحلیل‌گفتمانی ون‌لیوون چه وجهی از شکل‌دهی هویت را در اثر مذکور تبیین می‌کند؟

۲. پیشینه تحقیق

تبیین هویت برای دانش‌آموزان، یکی از اولویت‌های اصلی نهادهای آموزشی در همه جوامع است. به این اعتبار، کتاب‌های درسی از دید محتوایی دربردارنده مقوله‌های هویت‌آفرین هستند. در پژوهش‌های متنوعی به زمینه‌های هویتی مختلف کتب درسی و آموزشی اشاره شده است که برخی عبارتند از: خدایار و فتحی (۱۳۸۷) به هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره متوسطه اشاره کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه مؤلفان کتب درسی در

^۱ Van leeuwen

بازتاب موضوع، عملکرد مناسبی داشته‌اند، اما عملکرد ایشان در حوزه‌های نماد، تمدن ایرانی و تنوع قومی ضعیف بوده است. علوی‌مقدم و داورپناه (۱۳۹۳) در مقاله‌ای به تحلیل محتوای مؤلفه‌های هویت ملی در کتب آموزش زبان فرانسه دوره‌های راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که این کتاب‌ها به گونه‌ای متعادل و متوازن به بیان شاخص‌های هویت ملی نپرداخته‌اند و تنها در یک یا چند کتاب شاهد حضور یک یا چند بُعد از ابعاد هویت ملی هستیم. ازغندی و محمدی‌مهر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به بازنمایی هویت ملی در کتاب‌های فارسی مقطع دبستان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که هویت‌های ملی، دینی (اسلامی)، مذهبی (شیعی) و محلی در این کتاب‌ها برجسته‌تر بوده است. حامدی شیروان و کاظمی مطلق (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی و تحلیل بازنمایی «ایران و ایرانی» در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان از منظر تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند. از دید نویسندگان، گفتمان غالب در منابع بررسی شده از نوع ایدئولوژیک است و مؤلفان کتاب‌های آموزش نوین زبان فارسی و فارسی بیاموزیم در گفتمان‌های تولیدی خود، بر نکات مثبت و افتخارآمیز ایران و ایرانیان تأکید کرده‌اند. محمودی (۱۳۹۸) در مقاله خود به بررسی وضعیت مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی پایه دوازدهم پرداخته و به این نتیجه رسیده است که فراوانی شاخصه‌های هویت‌های ملی در کتاب‌های درسی رشته علوم انسانی از رشته‌های تجربی و ریاضی بیشتر بوده است. مهدی‌نژاد (۱۳۹۸) در تحقیق خود، مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی را در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان شهر مشهد بررسی کرده است. از دید نویسنده، در کتاب‌های جامعه‌المصطفی و مکتب نرجس خاتون، بسامد مؤلفه‌های هویت‌ساز دینی، بیشتر از آثار دیگر تکرار شده است. علیزاده (۱۳۹۹)، مؤلفه‌های هویت ملی را در کتاب‌های فارسی ابتدایی تألیف شده از سال ۱۳۸۹ به بعد بررسی کرده است. از دید او، مؤلفه‌های ملی، مشاهیر ملی، سیاست، خصوصیات ملی و فرهنگ از بسامد بیشتری برخوردار بوده‌اند.

۳. روش تحقیق

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، تنظیم شده است. جامعه آماری تحقیق، مجموعه کتاب‌های آموزش فارسی به فارسی از اصغر فردی و احمد زهرایی است که در سال ۱۳۹۵ از سوی نشر مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی، منتشر شده است. حجم نمونه، مطالبی است که در این مجموعه کتاب با مقوله هویت ارتباط دارند. هدف اصلی مؤلفان کتاب، ارائه سیمایی کلی از هویت ایرانیان به فارسی‌آموزان بوده و از آنجا که کتب محدودی برای تحقق این هدف در نظام آموزشی کشور تدوین شده است، پرداختن به هویت در مجموعه مذکور اهمیت پیدا می‌کند. بدین منظور، با توجه به محدودیت‌های حجم مقاله، پنج متن، ذیل عنوان‌های مختلف، ذکر و تحلیل شده است. پس از گزینش متن‌ها، اصلی‌ترین ساختارهای گفتمان‌مدار که اهمیت ایدئولوژی‌های موجود در متن را تعیین می‌کنند، مشخص شد و سپس با کاربست الگوی ون‌لیوون، تجزیه و تحلیل انجام گردید. علت انتخاب این نظریه برای تحلیل متون، ظرفیت‌های تأویل‌پذیری این الگو و تسهیل فرآیند دست‌یابی به نتایج مدون بوده است.

۴-۱. تحلیل گفتمان انتقادی: تحلیل گفتمان انتقادی^۲، شاخه علمی بین‌رشته‌ای در زبان‌شناسی است که کارکرد زبان را در جامعه و سیاست مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد و «زبان را به عنوان عملی اجتماعی در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن، اعم از گفتاری و نوشتاری مطالعه می‌کند» (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱). تحلیل گفتمان انتقادی، به عنوان روشی مبتنی بر تحلیل، منجر به شناخت بهتر گفتمان‌های گوناگون در یک متن ادبی یا غیرادبی می‌شود. «تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی است به تجزیه و تحلیل زبان که هدف آن، آشکارسازی روابط پنهان و فرآیندهای ایدئولوژیکی در زبان‌شناختی است» (کریستال، ۱۹۸۷: ۹۲). فرکلاف^۳ عقیده دارد که تحلیل گفتمان انتقادی تنها سازنده نیست و گاهی، برآیند و محصول پدیده‌های دیگر است. نکته محوری رویکرد فرکلاف این است که گفتمان، گونه مهمی از کنش اجتماعی به شمار می‌رود که دانش، هویت‌ها و روابط اجتماعی از جمله مناسبات قدرت را بازتولید کرده و تغییر می‌دهد و هم‌زمان، سایر کنش‌ها و ساختارهای اجتماعی به آن شکل می‌بخشند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

۴-۱-۱. الگوی گفتمانی ونلیوون (۲۰۰۸): در این الگو علاوه بر توجه به شیوه‌های بروز مؤلفه‌های زبان‌شناختی، از شاخص‌های جامعه‌شناسانه-معنایی هم در تحلیل‌ها استفاده می‌شود. الگوی ونلیوون از دو مؤلفه کلی «حذف^۴ و ذکر^۵» برخوردار است که هر کدام زیرشاخه‌هایی دارند. حذف به دو شکل انجام می‌شود: کتمان^۶ و پس‌زمینه‌سازی^۷. در کتمان، امکان بازشناسی کنشگر حذف‌شده به هیچ‌روی امکان‌پذیر نیست و گاهی بعضی از کنش‌های او حذف می‌شوند. در پس‌زمینه‌سازی، کنشگر اجتماعی حذف می‌شود، ولی نشانه‌ای از او در نقطه‌ای دیگر برجای می‌ماند که از طریق ردیابی همان نشانه‌ها می‌توان او را بازشناسی کرد. بنابراین، فرآیند حذف کنشگر در پس‌زمینه‌سازی به صورت کامل انجام نمی‌شود، بلکه به صورت آگاهانه به حاشیه رانده می‌شود تا توجه از او دور گردد.

مؤلفه ذکر به این صورت است که از کنشگر به صورت مستقیم و صریح در متن یاد می‌شود. بنابراین، عواملان کنش در تصویرسازی، ذکر و بازنمایی می‌شوند. در مجموع، ذکر کنشگران اجتماعی به سه شکل انجام می‌شود: تعیین نقش^۸، تعیین نوع اشاره^۹ و تعیین ماهیت^{۱۰}.

الف) تعیین نقش به این معناست که در فرآیند تصویرسازی می‌توان کنشگران اجتماعی را از نو، نقش‌دهی کرد و روابط اجتماعی میان عاملین و مشارکین کنش را به شکلی جدید سامان داد. این موضوع زمانی اتفاق می‌افتد

² critical discourse analysis

³ Fairclough

⁴ exclusion

⁵ inclusion

⁶ Suppression

⁷ Backgrounding

⁸ Role allocation

⁹ Reference allocation

¹⁰ Type allocation

که هیچ سازگاری میان نقش‌های کنشگران اجتماعی و نقش‌های دستوری آنان وجود نداشته باشد. بر این پایه، به کنشگر در تصویرسازی‌ها، نقش فعال یا منفعل داده می‌شود. منظور از فعال‌نمایی^{۱۱} این است که کنشگر اجتماعی در قالب جمله معلوم بیان می‌شود و به عنوان نیروی کنشمند بازنمایی می‌گردد. در صورت استفاده از منفعل‌نمایی^{۱۲}، کنشگر اجتماعی بیشتر در قالب جمله‌های مجهول تصویرسازی می‌شود که گویی به کنشی تن می‌دهد یا آن را می‌پذیرد و به خود می‌گیرد. بنابراین، او پذیرنده رفتار، احساس و گفتار در فرآیندهای رفتاری، ذهنی و کلامی است.

ب) تعیین نوع اشاره بیان می‌دارد که تصویرگری کنشگران اجتماعی، با اسم‌ها و کلمه‌هایی در زبان تحقق می‌یابند. اگر این کنشگران در فرآیند تصویرسازی به صورت انسان بازنمایی شوند، ذیل مقوله تشخیص‌بخشی^{۱۳} قرار می‌گیرند، اما اگر به عنوان غیرانسان تصویرسازی شوند، ذیل مقوله تشخیص‌زدایی^{۱۴} قرار می‌گیرند. تشخیص‌بخشی به دو شکل «نامشخص‌سازی^{۱۵} و مشخص‌سازی^{۱۶}» صورت می‌گیرد. مشخص‌سازی دارای زیرشاخه‌هایی است که عبارتند از: «پیوسته‌نمایی^{۱۷} و گسسته‌نمایی^{۱۸}»، «تمایزگذاری^{۱۹} و تمایززدایی^{۲۰}»، «نام‌دهی^{۲۱} و طبقه‌بندی^{۲۲}»، «مشخص‌نمایی چند موردی^{۲۳} شامل وارونگی^{۲۴}، نمادین‌شدگی^{۲۵}، دلالت‌ضمنی^{۲۶} و فشرده‌شدگی^{۲۷}». تشخیص‌زدایی دو مؤلفه دارد: ذهنی‌سازی^{۲۸} و عینی‌سازی^{۲۹}. در ذهنی‌سازی، یک صفت یا ویژگی کنشگر، جایگزین او می‌شود.

ج) تعیین ماهیت نشان می‌دهد که کنشگران اجتماعی به صورت عام، کلی و جمعی در قالب طبقه و گروهی ویژه تصویرسازی می‌شوند (عام ارجاعی)^{۳۰} و یا به صورت جزئی و فردی در قالب افراد با هویت معین بازنمایی می‌شوند (خاص ارجاعی)^{۳۱}. در خاص ارجاعی اگر به کنشگران اجتماعی به عنوان افراد مستقل اشاره شود، فرد ارجاعی^{۳۲} است. اگر گروه‌بندی بر پایه ویژگی‌های مشترک باشد، همگون‌سازی^{۳۳} نام دارد. همگون‌سازی

-
- 11 Activation
 - 12 Passivation
 - 13 Personalisation
 - 14 Impersonalisation
 - 15 Indetermination
 - 16 Determination
 - 17 Association
 - 18 Dissociatio
 - 19 Differentiation
 - 20 Indifferentiation
 - 21 nomination
 - 22 categorization
 - 23 Overdetermination
 - 24 Inversion
 - 25 Symbolisation
 - 26 Connotatio
 - 27 Distillation
 - 28 Abstraction
 - 29 Objectivation
 - 30 genericization
 - 31 specification
 - 32 Individualisation
 - 33 Assimilation

هم، دو زیرشاخه دارد: ۱. مجموعه‌ارجاعی^{۳۴} که کنشگر با عدد نشان داده می‌شود ۲. کلی‌ارجاعی^{۳۵}. (ون‌لیوون، ۲۰۰۸: ۲۹-۵۲)

۵. مفاهیم تخصصی تحقیق

۵-۱. هویت: مجموعه‌ای از شاخصه‌ها و ویژگی‌های بنیادین اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی مشابه است که به رسایی و اعتبار بر ماهیت یا ذات گروه به معنای اتحاد یا همانندی اعضای آن گروه، دلالت دارد. هویت، یک گروه جمعیتی مشخص را در یک بازه زمانی و مکانی مشخص به صورت قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متمایز می‌سازد (الطائی، ۱۳۷۸: ۱۳۹) و به آن‌ها شخصیت مستقلی می‌بخشد. هویت به معنای «ساختاری از خود» است (مارسیا، ۱۹۸۰: ۱۳) و مجموعه‌ای از عقاید و باورهای هر فرد، هویت او را معرفی می‌کند و ساهمان می‌دهد (گل‌محمدی، ۱۳۸۹: ۳۷). هویت مفهومی است که ناظر به حالات اجتماعی و رفتاری است که ریشه در آموزه‌های فرهنگی و باورهای اجتماعی دارد (جنکیز، ۱۳۹۱: ۱۳۰). این مقوله را می‌توان شامل درک و برداشت مردم از کیستی‌شان دانست. آن‌ها مؤلفه‌هایی را که برای خود معنادار می‌یابند، جزء هویت تلقی می‌کنند (اسمیت، ۱۳۸۳: ۶۳). در پرداختن به هویت گروه‌های جمعیتی مختلف، دو مفهوم متضاد در نظر گرفته می‌شود: شباهت‌ها و تفاوت‌ها؛ زیرا «هویت عامل شناسایی فرد از افراد یا گروهی از گروه‌ها به حساب می‌آید» (گل‌محمدی، ۱۳۸۹: ۳۹).

هویت انواع و دسته‌بندی‌های مختلفی دارد و هر نظرگاه با عنایت به مؤلفه‌هایی که برای این مفهوم در نظر می‌گیرد، به تعریف آن می‌پردازد. در این مقاله رویکرد ساخت‌گراها مورد نظر بوده است. بر اساس آراء ساخت‌گراها، هویت‌ها ساخته می‌شوند و عناصر سازنده آن، با توجه به شدت و ضعف محیط پیرامون افراد، تغییر می‌کند و تأثیر می‌پذیرد (بشیریه، ۱۳۸۳: ۲۹). بنابراین، اجتماع در شکل‌گیری هویت، نقشی مهم و محوری دارد. با تکیه بر این نظر، می‌توان به گونه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، ملی و دینی هویت اشاره کرد که در بستر جامعه انسانی پدید می‌آید. هویت اجتماعی را می‌توان مقوله کلان هویتی در نظر گرفت که خرده‌هویت‌های دیگر (سیاسی، فرهنگی، دینی و ملی) ذیل آن تعریف می‌شوند. با این حال، در مقاله حاضر تمایزی میان انواع هویت در نظر گرفته شده است تا با جزئی‌نگری به این مفاهیم پرداخته شود.

هویت اجتماعی تلقی فرد از خود، شناخت و اطلاع از عضویت در یک گروه و زمینه‌های عاطفی و ارزشی مرتبط با آن عضویت است (گل‌محمدی، ۱۳۸۹: ۲۲۳). هویت ملی از جمله انواع هویت‌های اجتماعی است. هویت ملی تعریفی است که فرد با رجوع به تابعیت ملی و گذشته تاریخی و فرهنگی‌اش از خود بازنمایی می‌کند (محسنی، ۱۳۷۵: ۴۵). اگر بپذیریم که هویت، احساس تعلق داشتن به محیط جغرافیایی خاص است، برای پی بردن به هویت فرد، نیاز به شناسایی ویژگی‌های محیطی، فرهنگی، دینی و سیاسی آن محیط داریم (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۵۹-۵۸). هویت فرهنگی شامل پذیرش مجموعه‌ای از رفتارها و کنش‌های موجود در جامعه است که اعضا و افراد آن با

³⁴ Collectivisation

³⁵ Aggregation

ضوابطی همسان، مبانی آن را به کودکان یا «دیگری» انتقال می‌دهند (مید، ۱۹۲۸: ۱۲۸). هویت سیاسی در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی از دید قانونی عضو یک نظامی سیاسی خاص باشند و از نظر روانی، احساس تعلق خاطر به این نظام در آن‌ها دیده شود (عسکری‌خانقاه، ۱۳۷۹: ۷۸). هویت دینی هم، برآیند برخورداری از دین و آموزه‌های مذهبی مشترک، پابندی و وفاداری به آن و اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر آن است (حاجیان، ۱۳۷۹: ۲۰۴).

۵-۲. **ایدئولوژی:** درباره این مفهوم، تعاریف متنوعی وجود دارد. بسیاری، آن را فرآیند تولید معانی و نشانه‌ها در گستره زندگی اجتماعی دانسته‌اند که مجموعه‌ای از اندیشه‌های ویژه گروه یا طبقه اجتماعی خاص است. ایدئولوژی اندیشه‌هایی است که به قدرت سیاسی حاکم اعتبار می‌بخشد و بر قدرت آن می‌افزاید. در نتیجه، ممکن است به صورت منظم و هدفمند، تحریف شود و بر اثر منافع اجتماعی برخی گروه‌ها برانگیخته شود (ایگلتون، ۱۳۸۱: ۲۰-۱۹). ایدئولوژی مفهومی فراگیر و مرتبط با پدیده‌های سیاسی، اجتماعی، زبانی، فرهنگی و ... است. از دید ون‌دایک، این مفهوم به عنوان نظامی از باورها تعاریف گوناگونی دارد، اما آنچه در تمامی این تعاریف نمود دارد، این است که ایدئولوژی در حافظه جمعی افراد قرار می‌گیرد و به این دلیل، جنبه‌ای شناختی و روانی پیدا می‌کند (ون‌دایک، ۱۹۹۸: ۶۸-۶۷).

۶. یافته‌های پژوهش

۶-۱. هویت ملی

هویت ملی بالاترین لایه هویت گروهی و عاطفی است و عنصری مهم برای ایجاد اتحاد و انسجام ملی در سطوح مختلف جامعه محسوب می‌شود. این هویت که پس از پیدایی نظام سیاسی بین‌المللی در سده بیستم میلادی، مفهوم ویژه‌ای پیدا کرده، در میان جامعه‌شناسان ایرانی هم، جایگاه خاصی داشته و دارد (نجفی، ۱۳۸۶: ۱۳۶). برای این نوع از هویت مؤلفه‌هایی در نظر گرفته شده که عبارت است از: «تعلق خاطر و باور مشترک جمعی ملت‌ها به وطن؛ داشتن تاریخ و قدمت تاریخی؛ داشتن هویت فعال؛ پیوند و وابستگی به مکان جغرافیایی خاص» (میلر، ۲۰۰۰: ۳۴). هویت ملی با توجه به مؤلفه‌های متنوعی شکل می‌گیرد که می‌توان به دین، نظام سیاسی، تاریخ، ادب، فرهنگ و ... اشاره کرد.

در مجموعه کتاب آموزش فارسی به فارسی به این نوع از هویت اشاره شده است. البته، تأکید مؤلفان بر عناصر تاریخی برجسته‌تر بوده است: «در حدود ۱۲۰۰ سال پیش در شهر ری جوانی می‌زیست که بعدها به نام رازی شهرت پیدا کرد. وی بسیار کنجکاو و دقیق بود و به کسب علم، شوق فراوان داشت. ریاضیات، نجوم و بیشتر علوم زمان خود را در روزگار جوانی فراگرفت. چون در آن زمان، دانشمندان به کیمیاگری می‌پرداختند، وی نیز به این کار علاقه بسیار پیدا کرد ... رازی در شهر ری بیمارستانی تأسیس کرد و در آنجا به درمان بیماران و تدریس دانش پزشکی پرداخت ... این پزشک، دانشمند و کاشف بلندمرتبه از افتخارات بزرگ مسلمانان و کشور ایران است» (فردی و زهرایی، ۱۳۹۵: ۴۵-۴۴). در ارتباط با پیش‌زمینه ایدئولوژیکی این متن باید گفت که توجه به دانش،

می‌تواند جامعه بشری را با تحولات متعددی روبه‌رو کند و سطح کیفی زندگی انسان‌ها را ارتقا دهد. نویسندگان، هویت ملی را با برجسته کردن دانش، عملی کرده‌اند.

تحلیل متن بالا بر اساس مؤلفه‌های الگوی ون‌لیوون:

- **حذف (پس‌زمینه‌سازی):** در متن با توجه به نشانه‌هایی چون ضمیر و صفت اشاره، نام زکریای رازی چند بار حذف شده است: «چون در آن زمان، دانشمندان به کیمیاگری می‌پرداختند، وی نیز به این کار علاقه بسیار پیدا کرد» یا «این پزشک، دانشمند و کاشف بلندمرتبه از افتخارات بزرگ مسلمانان و کشور ایران است».

- **تعیین نقش (فعال‌نمایی):** سراسر متن به تکاپوی علمی رازی و دستاوردهای او در زمینه‌های گوناگون علمی اشاره دارد. نویسندگان از این طریق، قصد دارند الگویی شرقی-ایرانی برای هویت‌سازی مخاطبان خود ارائه کنند. مجموعه اقدامات رازی در بهبود کیفیت زندگی مردم اثرگذار بوده و بخشی از جامعه انسانی را تحت تأثیر قرار داده است: «ریاضیات، نجوم و بیشتر علوم زمان خود را در روزگار جوانی فراگرفت» و «رازی در شهر ری بیمارستانی تأسیس کرد» و «به درمان بیماران و تدریس دانش پزشکی پرداخت». همچنین، جمله‌ها به صورت معلوم به کار رفته‌اند که در تشخیص کنشگر تأثیر مطلوبی دارد.

- **تعیین نوع اشاره (تشخیص بخشی مشخص‌سازی):**

الف) نام‌دهی: اشاره به نام‌های «ری، رازی و بغداد» در متن وجود دارد که خاص هستند.

ب) طبقه‌بندی: در این بخش، همه طبقه‌بندی‌ها به نوعی با علم و مؤلفه‌های آن در ارتباط است که می‌توان به مواردی چون: «دانشمندان، کیمیاگران، پزشکان، مدرسان و کاشفان» اشاره کرد.

ج) مشخص‌نمایی چندموردی

۱. **فشرده‌شدگی:** توصیفات نویسندگان نشان می‌دهد که رازی فردی دارای تخصص در چند رشته از جمله علوم ریاضی، پزشکی، شیمی و ... بوده است. به تعبیر دیگر، وارد شدن به دانش‌های مختلف و رسیدن به درجه استادی در هر کدام، کار خارق‌العاده‌ای است که زکریای رازی موفق به انجام آن شده است.

- **تعیین ماهیت (خاص ارجاعی):** در عبارات «در حدود ۱۲۰۰ سال پیش در شهر ری جوانی می‌زیست که بعدها به نام رازی شهرت پیدا کرد» و «وی بسیار کنجکاو و دقیق بود» و «رازی در شهر ری بیمارستانی تأسیس کرد»، مؤلفان از یک فرد و مسائل شخصی مرتبط با او سخن می‌گویند. در نتیجه، خاص ارجاعی از نوع فردی است.

فرهنگ، مجموعه‌ای از رفتارهایی است که هر فرد برای همسانی با گروه جمعیتی می‌آموزد (کوش، ۱۳۸۱: ۱۳۹). هویت فرهنگی نیز، شامل همه ابعاد فرهنگی در هر نظام اجتماعی است که به نوعی با خودآگاه یا ناخودآگاه افراد جامعه سروکار دارد (ورجاوند، ۱۳۸۷: ۶۶). بنابراین، فرهنگ، نظامی بینافردی از معناهای گوناگون است که افراد به واسطه ارتباط‌گیری به همدیگر انتقال می‌دهند.

در مجموعه کتاب آموزش فارسی به فارسی به یکی از کنش‌های دو خواهر و برادر اشاره شده است تا با بازنمایی کنش‌های متقابل میان این دو، یکی از نمودهای فرهنگی تبیین شود. رواداری و مسامحه، شاخصه فرهنگی برجسته‌ای است که در این متن شاهد تبیین آن هستیم. مؤلفان با روایت بخشی از خصوصیات اخلاقی مریم و سعید (به عنوان نمایندگان جامعه) این ویژگی را تشریح کرده‌اند: «مریم و سعید، خواهر و برادرند. آن‌ها معمولاً سلیقه‌هایشان یکی نیست. این خواهر و برادر با اینکه در بسیاری از چیزها اختلاف سلیقه دارند، همدیگر را بسیار دوست دارند و به نظر و سلیقه هم احترام می‌گذارند» (فردی و زهرایی، ۱۳۹۵: ۸۱). بررسی پیش‌زمینه ایدئولوژیکی متن نشان می‌دهد نویسندگان بر این اصل تأکید دارند که انسان‌ها با وجود همه اختلاف سلیقه‌ها و تفاوت‌ها در اندیشه، می‌توانند و باید با آن کنار بیایند و در این بین، اصل مهم مدارا را از یاد نبرند. در همه این‌ها، نشانه‌هایی از هویت جمعی دیده می‌شود.

با استفاده از مؤلفه‌های الگوی ونلیوون در تحلیل متن بالا این نتایج به دست آمده است:

- حذف (پس‌زمینه‌سازی): در عبارات «آن‌ها معمولاً سلیقه‌هایشان یکی نیست ... این خواهر و برادر ... همدیگر را بسیار دوست دارند»، مرجع ضمیر «آن‌ها» و صفت اشاره «این»، به مریم و سعید بازمی‌گردد. با توجه به نشانه‌های موجود در متن، می‌توان این حذف را از نوع پس‌زمینه‌سازی دانست.

- تعیین نقش (فعال‌نمایی): در عبارت «این خواهر و برادر ... احترام می‌گذارند»، فرآیند ذهنی و رفتاری مریم و سعید، یعنی دوست داشتن و احترام بازنمایی شده است. جمله‌ها نیز، معلوم است و مخاطب به این واسطه با فاعل کنشگر آشنایی پیدا می‌کند.

- تعیین نوع اشاره (تشخیص بخشی مشخص‌سازی):

الف) پیوسته‌نمایی / تمایز دایی: نویسندگان برای آنکه قرابت باور کلی مریم و سعید را در سطوح روابط بینافردی نشان دهند، این دو را کنار هم آورده‌اند. افزون بر این، «و» عطف که بین نام آن‌ها ذکر شده، بیانگر حرکت فکری آن‌ها در یک راستا است. نویسندگان تفاوت‌های فکری و رفتاری را به حاشیه رانده و بر درک متقابل این دو، تأکید کرده‌اند.

ب) نام‌دهی: در این متن از دو نام خاص یعنی مریم و سعید یاد شده است. می‌توان به‌کارگیری این نام‌ها را در راستای تقویت تصویرسازی مخاطبان تعریف کرد. به این معنا که نویسندگان این امکان را به مخاطبان خود داده‌اند تا تصویری ذهنی از شخصیت‌ها و کنشگران ایجاد کنند و بر اساس آن تصویر، واکنش‌های انتزاعی و عینی آن‌ها را طراحی کنند و دنبال نمایند.

- تعیین ماهیت (خاص ارجاعی): با توجه به اینکه مسأله‌ای شخصی در متن بازگو شده، می‌توان خاص ارجاعی را از نوع فردی دانست. البته، باید این مطلب را در نظر داشت که در سطح کلان و ورای بافت متن، می‌توان آن را امری عمومی و همگانی قلمداد کرد؛ زیرا کلیت متن، گفتمان مدارا، سهل‌گیری و احترام به سلیقه‌های متضاد و مختلف را تبلیغ و ترویج می‌کند.

۳-۶. هویت دینی

مجموعه‌ای از افراد که به یک باور، دین و مذهب مشترک اعتقاد دارند، نوعی از هویت را به وجود می‌آورند که می‌تواند درون یا بیرون از چهارچوب‌های سیاسی و جغرافیایی نمود پیدا کند. این هویت که در این مقاله از آن با عنوان «هویت دینی» یاد شده است، گروه‌های جمعیتی متنوعی را از فرهنگ‌های گوناگون به هم پیوند می‌زند و امکان دارد ورای مرزهای جغرافیایی معمول باشد. شاخص‌های اصلی هویت دینی عبارت است از: «پایبندی به جوهر دین و ارزش‌های بنیادین دینی و فراگیر بودن این ارزش‌ها؛ دل‌بستگی جمعی و عمومی به شعائر، مناسک و نهادهای دینی؛ مشارکت و تمایل عملی به ظواهر و آیین‌های مذهبی». (حاجیان، ۱۳۷۹: ۲۰۴) بسط این ویژگی‌ها در میان افراد جامعه، شکل‌دهنده هویت دینی است.

در جامعه ایرانی، هویت دینی غالب، بر اساس باور قریب به اتفاق مردم به مبانی دین اسلام شکل گرفته و سامان یافته است. «هویت اسلامی در جامعه ایرانی به معنای تعلق و تعهد فرد ایرانی به باورها و ارزش‌های دینی، انجام رفتارها و مناسک فردی و جمعی دین‌دارانه، داشتن تجربه و حس دینی و برخوردار بودن از هویت دینی است» (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۰). با نظر داشت این پیش‌فرض، مؤلفان مجموعه کتاب آموزش فارسی به فارسی، با اشاره به یک رویداد دینی و تاریخی، مفهوم کلان استقامت و پایداری بر سر حفظ ایمان و باور را شرح داده‌اند: «پس از آنکه حضرت محمد (ص) از جانب خدای متعال به پیامبری برگزیده شد، با صبر و شکیبایی مردم را به یگانه‌پرستی فرامی‌خواند. بت‌ها و بت‌پرستی را تحقیر می‌کرد، از هیچ مانعی ترسی به دل راه نمی‌داد و تنها راه نجات را خداپرستی می‌دانست. بزرگان قریش که بت می‌پرستیدند، از رفتار بی‌باکانه پیامبر به تنگ آمده بودند. از این‌رو، با ابوطالب، عموی پیامبر صحبت کردند و از او خواستند که محمد (ص) را از توهین به بت‌ها بازدارد و افزودند که اگر او این کار را نکند، خودشان جلوی او را خواهند گرفت. این تهدیدها و شکایت‌های آشکار، حضرت ابوطالب (ع) را به شدت ناراحت می‌کرد، اما او از محمد (ص) حمایت می‌کرد ... پیامبر (ص) پس از شنیدن سخنان عموی مهربانش با اطمینان کامل فرمود که در برابر قریشیان مقاومت می‌کند و تسلیم نمی‌شود» (فردی و زهرایی، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۷). بررسی پیش‌زمینه ایدئولوژیکی متن نشان می‌دهد با حضور کنشگران مذهبی، مفهوم ایستادگی بر سر آرمان‌ها به مخاطبان نشان داده شده و نقش این ویژگی در رسیدن به هویت انسانی، بازگو شده است. البته در این فرآیند، مخاطبان با دنبال کردن نشانه‌ها و به صورت غیرمستقیم به مسائل هویتی پی می‌برند و به این باور می‌رسند که یکی از شاخصه‌های هویت‌ساز، گرایش به مسائل تعلیمی و اخلاق‌محور است.

مؤلفه‌های الگوی ونلیوون که در تحلیل متن بالا به کار گرفته شده، به این صورت است:

- **حذف (پس‌زمینه‌سازی):** در این متن، نویسندگان در یک مورد و هنگام بازنمایی گزاره «بت‌ها و بت‌پرستی را تحقیر می‌کرد...»، از الگوی پس‌زمینه‌سازی استفاده کرده‌اند. با عنایت به جمله‌های پسین و پیشین و ذکر عبارت‌های «بت» و «تحقیر کردن»، پی بردن به فاعل کنشگر این جمله یعنی پیامبر اسلام (ص)، کاملاً بدیهی و قابل پیش‌بینی است.

- **تعیین نقش (فعال‌نمایی):** در اغلب جملات، کنشگری شخصیت پیامبر اسلام (ص) و کوشش‌های او برای مبارزه با صاحبان زر و زور در آن زمان، بازنمایی شده است. تکرار این مؤلفه نشان می‌دهد که نویسندگان قصد دارند از طریق الگوسازی دینی، مخاطبان خود را با اسوهای کارآمد در زمینه مسائل هویتی آشنا کنند. فرآیندهای رفتاری پیامبر همچون: «صبر و شکیبایی، تلاش برای هدایت مردم، مبارزه با فرهنگ بت‌پرستی، شجاع بودن و اعتقاد به خداوند» در این متن برجسته به نظر می‌رسد. در سراسر متن، جمله‌ها به صورت معلوم به کار رفته‌اند. به این اعتبار، هویت کنشگر روشن است و شنونده با متن ارتباط بهتری برقرار می‌کند.

- **تعیین نقش (منفعل‌نمایی):** در حالی که پیامبر اسلام (ص) سرگرم دعوت مردم به حق‌پرستی، تحقیر بت‌ها و دشنام دادن به این سنگ‌های بی‌جان است، قریشیان با انفعالی که از خود نشان می‌دهند (رفتن نزد ابوطالب^ع) و گله‌مندی و شکایت و نهایتاً تهلیل، ناخواسته راه را برای گسترش آیین الهی فراهم می‌آورند. آن‌ها به‌جای تأثیرگذاری بر مردم و پیروان خود، کاملاً تحت تأثیر ایدئولوژی نوظهور محمد (ص) قرار داشتند: «بزرگان قریش که بت می‌پرستیدند، از رفتار بی‌باکانه پیامبر به تنگ آمده بودند».

- **تعیین نوع اشاره (تشخیص بخشی مشخص‌سازی):**

الف) پیوسته‌نمایی و گسسته‌نمایی: در این متن، دو گروه اجتماعی به دلیل تفاوت‌های ماهوی دو گفتمان خداپرستی و بت‌پرستی، از هم جدا شده‌اند. نویسندگان با جدا کردن گروه خداپرستان - که محمد (ص) و ابوطالب (ع) نماینده آن هستند - از گروه بت‌پرستان که سران قریش از آنان نمایندگی می‌کنند، گسستگی ایدئولوژیک دو گفتمان را تبیین کرده‌اند.

ب) تمایزگذاری و تمایزدایی: در سراسر متن به تقابل میان دو گفتمان خداپرستی و بت‌پرستی پرداخته شده است. به وضوح می‌توان تفاوت‌های میان طرز فکر و سیره عملی پیامبر (گروه حق‌پرستان) و قریشیان (گروه بت‌پرستان) را دید که البته، ریشه در نظام ارزشی و ایدئولوژیک این دو گروه اجتماعی دارد. دو گروهی که هر کدام شاخصه‌های هویت‌ساز خود را دارند.

ج) طبقه‌بندی: در این متن، نگاهی به شخصیت‌های حاضر نشان می‌دهد که در سطح کلان، دو گروه و طبقه اجتماعی از دید ماهیتی و هویتی حضور دارند. در یک‌سو، طبقه باورمند به یکتاپرستی و در سوی دیگر، طبقه معتقد به بت‌پرستی. اگرچه در این متن، نام اشخاص بازگو شده است، اما از آنجا که هدف راوی از ذکر روایت، بیان تقابل میان دو گفتمان کلان است، نمی‌توان مؤلفه نام‌دهی را در متن به حساب آورد.

ه) **مشخص‌نمایی تک‌موردی:** با توجه به اینکه پیامبر اسلام (ص)، ابوطالب و سران قریش در یک نقش اجتماعی حضور دارند، مشخص‌نمایی تک‌موردی در متن برجسته به نظر می‌رسد. پیامبر، نقش رهبر و مصلح اجتماعی را برعهده دارد و سران قریش، به عنوان رهبران جبههٔ مقابل ایفای نقش می‌کنند. ابوطالب نیز، به عنوان یاریگر پیامبر اسلام توصیف شده است.

- **تعیین ماهیت (عام و خاص ارجاعی):** در متن، از هر دو مؤلفه استفاده شده است. در عبارت‌های «این تهدیدها و شکایت‌های آشکار، حضرت ابوطالب^(ع) را به شدت ناراحت می‌کرد» و «پیامبر (ص) پس از شنیدن سخنان عمومی مهربانش با اطمینان کامل فرمود...»، کنشگران اجتماعی به صورت منفرد بازنمایی شده‌اند (خاص ارجاعی) و در عبارت «بزرگان قریش که بت می‌پرستیدند، از رفتار بی‌باکانهٔ پیامبر به تنگ آمده بودند»، شاهد بازنمایی کلی کنشگران در قالب گروهی ویژه هستیم (عام ارجاعی). در سراسر متن، این روند تداوم دارد.

۴-۶. هویت سیاسی

هویت سیاسی زمانی شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود که جمعیتی در چهارچوب مرز جغرافیایی مشخص، به نظام سیاسی خاص و مبانی ارزشی و مشروع آن باورمند و وفادار باشند. در این صورت، هویت مشترک سیاسی آن‌ها پدیدار می‌شود و همبستگی و پیوند ملی تقویت می‌گردد (عسکری خانقاه، ۱۳۷۹: ۷۷). در یک نگاه کلی، هویت سیاسی یکی از زیرمجموعه‌های هویت ملی در برخی جوامع به شمار می‌آید؛ زیرا به واسطهٔ ماهیت تک‌بعدی سیاست برخی کشورها، علاقهٔ عاطفی مردم به آن نظام، به منزلهٔ هویت ملی مردم است.

مؤلفان مجموعه کتاب *آموزش فارسی به فارسی*، هویت سیاسی را بر اساس مبانی نظام جمهوری اسلامی تبیین کرده‌اند: «افسانهٔ شکست‌ناپذیری شیطان، درهم شکست و به حقیقت پیوست و باز، موسی^(ع) بر فرعون و حسین^(ع) بر یزید زمان پیروز گردید. دشمن در اوج قدرت بود و ملت در شدت ضعف و سستی، ولی با هدایت رهبری الهی و همت ملت، ضعف به توانایی و ذلت و پستی به قدرت و اقتدار تبدیل گردید. هیچ قدرت استعماری و هیچ نیروی استبدادی، دیگر قادر به تحقیر ملتی که با ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی آشنا شده‌اند، نیست» (فردی و زهرایی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). پیش‌زمینهٔ ایدئولوژیکی رویکرد مؤلفان نشان می‌دهد که هدف اصلی از برپایی انقلاب، مبارزه با نفوذ غرب در کشور بوده است. هدف انقلابیون، بازیابی هویت ملی و وجههٔ تاریخی ملت ایران بر پایهٔ نظام سیاسی جدیدی بوده که با نظام قبلی تضاد منافع داشته و ثبات معنایی گفتمان آن را به چالش کشیده است. مبانی این انقلاب، برضد گفتمان‌های حامی غرب به ویژه حکومت پهلوی بود و با آن مبارزه می‌کرد. با عنایت به رویکردهای اسلامی رهبر انقلاب، نشانه‌های ایدئولوژیک و مذهبی در چهارچوب‌های این خیزش مردمی مشهود است. بنابراین، نوعی هویت اجتماعی و سیاسی مبتنی بر عناصر دینی و مذهبی در متن شکل گرفته است.

تحلیل متن بر اساس مؤلفه‌های الگوی ون‌لیوون:

- **تعیین نقش (فعال‌نمایی):** نیروهای انقلابی به صورت فعال و کنش‌مند نشان داده شده‌اند. البته، این شرایط زمانی محقق شده که انقلاب به پیروزی رسیده است. پیش از آن، ما با مردمی ناامید روبه‌رو هستیم که تحت تأثیر

استعمار غربی و حکومت وقت، به جمود فکری و دل‌مردگی دچار بودند. گزاره‌های «موسی»^(ع) بر فرعون و حسین^(ع) بر یزید زمان پیروز گردید» و «دشمن در اوج قدرت بود و ملت در شدت ضعف و سستی»، در بازنمایی این مطالب مؤثر است. جمله‌ها معلوم هستند. این امر بدان معناست که در تشخیص هویت کنشگران، هیچ ابهامی برای شنونده وجود ندارد و رسایی معنایی متن، افزون‌تر شده است.

- تعیین نوع اشاره (تشخیص بخشی مشخص‌سازی):

الف) گسسته‌نمایی: در متن، میان انقلابیون و عناصر رژیم پهلوی، گسستگی وجود دارد.

ب) تمایزگذاری: با توجه به تفاوت بنیادین مبانی فکری حکومت پهلوی با انقلابیون، نویسندگان با تمایزگذاری‌های آشکار، این دو گفتمان را مرزبندی کرده‌اند.

ج) نام‌دهی: یادکرد نام‌های خاص و علم مانند: «موسی و فرعون، حسین و یزید»، دقیقاً در راستای تبیین تفاوت‌های آشکار میان دو گفتمان مذکور است که البته، این نام‌دهی صبغه‌ای دینی دارد.

د) مشخص‌نمایی چندموردی

۱. نمادین‌شدگی: نویسندگان در متن بالا به صورت نمادین از شخصیت‌های تاریخی و دینی استفاده کرده‌اند و با عنایت به ظرفیت‌های ماجراهایی که آن‌ها از سر گذرانده‌اند و ربط دادن آن به حوادث سال ۱۳۵۷، منظور خود را بسط داده‌اند: «افسانه شکست‌ناپذیری شیطان، درهم شکست و به حقیقت پیوست و باز، موسی^(ع) بر فرعون و حسین^(ع) بر یزید زمان، پیروز گردید».

- تعیین ماهیت (خاص ارجاعی): ذکر نام‌های خاص مانند «حسین، یزید، موسی و فرعون» نشان می‌دهد که نویسندگان از فرد ارجاعی استفاده کرده‌اند، اما این نکته را باید در نظر داشت که در کلیت متن، ما با تبیین مسأله‌ای همگانی مواجه هستیم. در نتیجه، نویسندگان مقوله‌ای عمومی را با بهره‌گیری از نام‌هایی خاص تبیین کرده‌اند.

۵-۶. هویت اجتماعی

هویت اجتماعی گستره وسیعی دارد و همه خرده‌هویت‌ها را در خود جای می‌دهد. این هویت «نشان‌دهنده این است که هر گروه و جامعه‌ای یک هویت خاصی دارد که آن گروه و جامعه را از سایر گروه‌ها و جوامع متمایز می‌کند. افراد، این هویت جمعی را که شیوه مشترک در نحوه تفکر، احساسات و تمایلات یک گروه است، از طریق سازوکارهای جامعه‌پذیری درونی می‌کنند» (جنکیز، ۱۳۹۱: ۵). این هویت زمانی که فراگیری بیشتری در میان اعضای جامعه پیدا می‌کند، نوعی احساس مسئولیت در آن‌ها ایجاد می‌کند.

در مجموعه کتاب‌های آموزش فارسی به فارسی، این هویت با اشاره به عناصر فن‌آوری بازنمایی شده است. نویسندگان از عناصر و مظاهر نوآورانه‌ای سخن می‌گویند که اختراع سال‌ها و دهه‌های اخیر هستند و با اینکه پیشینه‌ای در فرهنگ بشری ندارند، ولی با توجه به قابلیت‌های بالقوه، در بهبود کیفیت زندگی بشر امروزی مؤثر هستند. از این‌رو، با سرعتی بی‌نظیر و در مدت زمانی محدود و کوتاه به ابزارهایی هویت‌ساز و تحول‌آفرین بدل شده‌اند: «در این زمان، افراد می‌توانند با وسایل مختلف الکترونیکی مانند: رادیو، تلویزیون، تلفن، رایانه و ماهواره با هم در ارتباط باشند. از حال هم‌باخبر شوند و از دانش و تجربه یکدیگر استفاده نمایند. با استفاده از پست‌الکترونیک (ایمیل) نامه‌های خود را در کوتاه‌ترین زمان و به هر جا که می‌خواهند، بفرستند. در حالی که در گذشته نامه‌ها را به وسیله کبوتران مخصوص یا اسب‌سواران ماهر با سختی و در مدتی طولانی به مقصد می‌رسانند» (فردی و زهرایی، ۱۳۹۵: ۱۳۳-۱۳۲). نگاهی به پیش‌زمینه ایدئولوژیک متن نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویت‌آفرین بر اساس فناوری دوران معاصر تبیین شده‌اند. نقشی که ابزارهای فناورانه برای انسان معاصر رقم زده‌اند، با وسایل ارتباطی در گذشته، متفاوت بوده و مجموعه‌ای از کنشگری‌های جدید را برای بشر ایجاد کرده است.

تحلیل متن بر اساس مؤلفه‌های الگوی ونلیوون بدین قرار است:

- **حذف (کتمان):** در متن هیچ نشانه‌ای که بتوان به هویت کنشگر پی برد، وجود ندارد. در ابتدای متن، واژه مبهم «افراد» برای بازنمایی کنشگران به کار رفته است، ولی به طور مشخص، سنج‌های جزئی‌تر و دقیق‌تری چون: جنسیت، تعداد و ... را نشان نداده است که موجب ابهامات ذهنی مخاطب می‌شود.

- **تعیین نقش (فعال‌نمایی):** سراسر متن به مجموعه‌ای از کنش‌های انسانی و حتی غیرانسانی در قالب جملات معلوم اختصاص پیدا کرده است. نویسنده از تسهیل راه‌های ارتباطی و مقایسه آن با دوران گذشته که غالباً برعهده پرنده‌گان و چهارپایان بوده است، سخن می‌گوید. در عبارت «در این زمان ... می‌خواهند بفرستند»، کنش‌هایی عینی و انتزاعی مانند: برقرار کردن ارتباط، باخبر شدن از احوال هم، استفاده از دانش و تجربه و فرستادن نامه بازنمایی شده است. این کنش‌ها نشان می‌دهد که ما با کنشگرانی پویا مواجه هستیم. به عبارت دیگر، نویسنده از پویایی ایجادشده به وسیله وسایل ارتباطی الکترونیکی جدید سخن می‌گوید.

- **تعیین نوع اشاره (تشخیص بخشی مشخص‌سازی):**

الف) پیوسته‌نمایی: در این حالت، چند گروه اجتماعی با دلیل یا بی‌دلیل کنار هم آورده می‌شوند و از تفاوت‌گذاری میان آن‌ها پرهیز می‌شود. در این متن، تنها به یک گروه اجتماعی یعنی جامعه انسانی معاصر و مرتبط با وسایل ارتباطی نوین، اشاره شده است. بنابراین، پیوسته‌نمایی اگرچه در سطح انسانی نمود ندارد، ولی می‌توان این موضوع را در پیوند با ابزارهای الکترونیکی همچون: رادیو، ایمیل، تلویزیون و ... دید که به دلیل تأمین یک هدف مشترک یعنی تسهیل روابط انسانی، کنار هم آورده شده‌اند. در این صورت، اشاره از نوع تشخیص‌زدایی خواهد بود؛ زیرا پدیده‌های غیرانسانی ذکر شده‌اند.

ب) **تمایز‌گذاری:** نویسنده در بخشی از متن، میان راه‌های ارتباطی در گذشته‌های دور و دوران معاصر، تمایز و مرزبندی ایجاد کرده است.

ج) **طبقه‌بندی:** در عبارات «در این زمان افراد ... ارتباط باشند» و «در حالی که ... می‌رساندند»، شاهد دو نوع مختلف از ارتباط‌گیری هستیم. نویسندگان راه‌های ارتباطی کلاسیک و مدرن را با رویکردی تقابلی، یکی پس از دیگری آورده‌اند و تمایز میان این دو روش را برجسته کرده‌اند که عامل اصلی در این تمایز‌گذاری‌ها، کیفیت و سرعت ارتباط می‌باشد.

- **تعیین ماهیت (عام ارجاعی):** در متن به موضوعی عمومی و همگانی اشاره شده است. نام‌هایی که در تبیین آن به کار گرفته شده‌اند، عام هستند و به صورت کلی در گروهی ویژه، جای می‌گیرند. از این‌رو، نوع ارجاعی، عام است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مقاله بررسی و تحلیل کیفیت انعکاس هویت در مجموعه کتاب آموزش فارسی به فارسی بوده است. نتایج تحقیق نشان داد که پنج نوع هویت ملی، دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در اثر مذکور بازنمایی شده‌اند. البته، انواع هویت را می‌توان ذیل کلان‌هویت اجتماعی جای داد. یکی از راه‌های بازنمایی هویت در این مجموعه، الگوسازی از طریق شخصیت‌های ایرانی از جمله زکریای رازی و تأکید بر ویژگی‌های علمی آنان است. نویسندگان با پرداختن به زندگی شخصی و علمی این افراد، در پی تبیین این مفهوم به مخاطبان خود بوده‌اند که انسان ایرانی می‌تواند با تکیه بر الگوهایی از این دست، آینده خود را سروسامان دهد. این هویت‌سازی را می‌توان از نوع ملی به شمار آورد. در حوزه مقولات دینی با توجه به گرایش‌های دینی و مذهبی اغلب ایرانیان به اسلام و تشیع، شاهد بازنمایی موضوعاتی هستیم که به نوعی با باورهای این مذهب ارتباط دارد. هویت سیاسی در تقابل با گفتمان غربی و نمود عینی آن در تاریخ معاصر ایران (حکومت پهلوی) بازنمایی شده و هویت فرهنگی، یکی از آداب ایرانیان یعنی رواداری و مسامحه را نشان داده است. نویسندگان در قالب هویت اجتماعی به تغییرات ارتباطی و مناسبات اجتماعی جامعه انسانی (در سطح کلان) و جامعه ایرانی (در لایه ثانویه) اشاره کرده‌اند. بازنمایی این مقوله، نشان می‌دهد که در نگاه مؤلفان، هویت صرفاً در بازه زمانی و مکانی ویژه‌ای تعریف نمی‌شود و الزاماً از دیرینگی برخوردار نیست و می‌تواند برآیند زمان کوتاهی باشد.

استفاده از مبانی الگوی تحلیل گفتمانی ونلیوون در بازنمایی و شکل‌دهی هویت در اثر مذکور مشخص کرد که نویسندگان از صراحت کلام برای تحقق این هدف بهره برده‌اند که این امر با گروه هدف و مخاطبان اثر، همخوانی و مطابقت دارد. بر این اساس، هویت کنشگران در اغلب این متون آشکار شده است. در نتیجه، خواننده به سادگی می‌داند که منظور نویسنده چه کسی است. اهمیت این موضوع زمانی بهتر دانسته می‌شود که بدانیم کتاب‌ها برای آگاهی‌بخشی به گروه هدف مبتدی (دانش‌آموزان ایرانی و فارسی‌آموزان غیرایرانی) نوشته شده و آن‌ها به دلیل عدم آشنایی بنیادی با این زبان، شرایط متفاوتی برای درک مطالب دارند. در برخی موارد به‌جای بازنمایی کنشگر، نوع کنش مطرح شده است. بنابراین، در این جمله‌ها می‌توان شاهد کاربرد مجهول فعل‌ها بود. درباره کیفیت کنش‌ها هم باید گفت که در بیشتر موارد، از نوع عینی و ملموس بوده‌اند و مصداق‌های آن در دنیای خارج از ذهن وجود دارد. در موارد محدودی، این کنش‌ها انتزاعی و ذهنی بوده‌اند. در ارتباط با مؤلفه‌های کتمان و پس‌زمینه‌سازی که در الگوی ونلیوون دیده می‌شود، این نکته را باید افزود که در متون انتخابی، اغلب کنشگران هویت مشخصی دارند، اما نویسنده با استفاده از ضمیر، صفت اشاره و ادات ابهام، برای نامشخص‌سازی هویت کنشگر تلاش کرده است. البته این پنهان‌سازی‌ها بسیار ساده و زودپاب هستند؛ زیرا گروه هدف با جزئیات زبان فارسی بیگانه هستند. به این اعتبار، پیچیده‌سازی هویت کنشگر مانع از فهم دقیق متن می‌شود. با این حال، در موارد معدودی که شاهد کاربرد این مؤلفه‌ها بوده‌ایم، نشانه‌های آشکار در جملات قبل یا بعد ذکر شده که پی بردن به

مرجع ضمیر، صفت اشاره یا ادات ابهام را آسان و در دسترس کرده است. دربارهٔ مشخص‌سازی هویت کنشگران باید به این نکته اشاره کرد که نویسندگان با بازنمایی این هویت در اغلب موارد، قطعیت دیدگاه خود را نشان داده‌اند. بررسی تعیین نقش در متن‌های گزینش‌شده نشان می‌دهد که نویسندگان غالباً از فعال‌نمایی و کنشگران معلوم و پویا استفاده کرده‌اند. اشاره هم از نوع تشخیص‌بخشی بوده است؛ زیرا کنشگران، انسان بوده‌اند. نویسندگان با تکیه بر مؤلفه‌های پیوسته‌نمایی/گسسته‌نمایی؛ تمایزدایی/تمایزگذاری؛ نام‌دهی و طبقه‌بندی در مشخص‌سازی کنشگران موفق عمل کرده‌اند. افزون بر این، از شگرد مشخص‌نمایی تک‌موردی (کمتر) و چندموردی (بیشتر) استفاده شده است. بررسی تعیین ماهیت هم نشان می‌دهد که در کتاب از هر دو نوع عام و خاص ارجاعی به کار گرفته شده است. در یک نگاه کلی، این پنج هویت به لحاظ محتوایی با هم گره خورده‌اند و می‌توان آن‌ها را در یک راستا ذکر کرد.

منابع و مأخذ

- آقاگل‌زاده، فردوس، (۱۳۹۰)، تحلیل انتقادی گفتمان، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- ازغندی، علیرضا و محمدی‌مهر، غلامرضا، (۱۳۹۵)، «بازنمایی هویت ملی در کتاب‌های فارسی مقطع دبستان»، مجله مطالعات ملی، سال ۱۷، شماره ۱، صص ۵۲-۳۹.
- اسمیت، آنتونی، (۱۳۸۳)، ناسیونالیسم، نظریه، تاریخ، ایدئولوژی، ترجمه منصور انصاری، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ایگلتون، تری، (۱۳۸۱)، درآمدی بر ایدئولوژی، ترجمه اکبر معصوم‌بیگی، تهران: آگه.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۳)، ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران: هویت، ملیت، قومیت، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جنکیز، ریچارد، (۱۳۹۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، هرا: پژوهش دانش.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۷۹)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران»، مجله مطالعات ملی، سال ۲، شماره ۵، صص ۲۲۸-۱۹۸.
- حامدی شیروان، زهرا و کاظمی‌مطلق، فاطمه، (۱۳۹۷)، «بررسی و تحلیل بازنمایی «ایران و ایرانی» در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان از منظر تحلیل گفتمان انتقادی»، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، سال ۱۰، شماره ۱۹، صص ۹۵-۷۳.
- خدایار، ابراهیم و فتحی، اعظم، (۱۳۸۷)، «هویت ملی در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش؛ مورد مطالعه: دوره متوسطه»، مجله مطالعات ملی، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۵۲-۲۷.
- عسکری‌خانقاه، اصغر، (۱۳۷۹)، «اعیاد، سنت‌ها و وفاق ملی در ایران»، مجله مطالعات ملی، سال ۱، شماره ۲ و ۳، صص ۹۲-۷۸.
- علوی‌مقدم، بهنام و داورپناه، زهرا، (۱۳۹۳)، «تحلیل محتوای مؤلفه‌های هویت ملی در کتب آموزش زبان فرانسه دوره‌های راهنمایی، دبیرستان و پیش‌دانشگاهی»، مجله نوآوری‌های آموزشی، سال ۱۳، شماره ۵۲، صص ۱۴۰-۱۱۷.
- علیزاده، مزده، (۱۳۹۹)، «بررسی مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی ابتدایی (تألیف‌های جدید ۱۳۹۸)»، مجله مطالعات ملی، دوره ۲۱، شماره ۸۳، صص ۸۴-۶۵.

فردی، اصغر و زهرایی، احمد، (۱۳۹۵)، آموزش فارسی به فارسی، عجم، قم: مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی.

کوش، دنی، (۱۳۸۱)، مفهوم فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، تهران: انتشارات فرهنگ و دانش.

گل محمدی، احمد، (۱۳۸۹)، جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران: نشر نی.

الطائی، علی، (۱۳۷۸)، بحرا هویت قومی در ایران، تهران: نشر شادگان.

مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۸۷)، «دموکراسی و هویت ایرانی»، مجله سالنامه سیاسی و اقتصادی، شماره ۳۱-۹.

محسنی، نیک‌چهره، (۱۳۷۵)، ادراک خود از کودکی تا بزرگسالی: دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و کاربردهای تربیتی، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.

محمودی، سیروس، (۱۳۹۸)، «بررسی وضعیت مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی پایه دوازدهم»، مجله مطالعات ملی، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۷۶-۶۱، صص .

مهدی‌نژاد، علیرضا، (۱۳۹۸)، بررسی مؤلفه‌های هویت ایرانی-اسلامی در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان شهر مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، استاد راهنما: دکتر عطیه کامیابی گل.

نجفی، موسی، (۱۳۸۶)، تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

ورجاوند، پرویز، (۱۳۸۷)، پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز، (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

- Crystal, D, (1987), A Dictionary of Linguistics and Phonetics, London: Blackwell.
- Marcia. J. E. (1980). Identity in adolescence. In J. Adelson (Ed), Handbook of adolescent psychology. New York: Wiley.
- Mead. M. C. (1928). Coming of age in Samoa. New York: Morrow.
- Miller, D. (2000). A Nationality. U K: Clarendon Press
- Poole, Ross, (2003), National Identity and Citizenship, In the: Identities, by Linda Martin, Alcoff and Eduardo Mendieta (Eds).U.K: Blackwell publishing.
- Van Dijk, T. A, (1998), Ideology: A multidisciplinary approach, London: Sage Publications Ltd.
- Van Leeuwen, T, (2008), Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis, New York: Oxford University Press.